

Islamic Moral Philosophy and its Impact on Family Relationships from the Perspective of Contemporary Philosopher Allameh Mohammad Hossein Tabatabai

ARTICLE INFO

Article Type

Research Article

Authors

Mohammad Ghafour Mostafa¹
Aziz Javanpour Heravi^{2*}
Hossein Norouzi Teymourlouie³

How to cite this article

Mohammad Ghafour Mostafa, Aziz Javanpour Heravi, Hossein Norouzi Teymourlouie, Islamic Moral Philosophy and its Impact on Family Relationships from the Perspective of Contemporary Philosopher Allameh Mohammad Hossein Tabatabai, *Journal of Islamic Life Style Centered on Health*. 2023;7(1):339-351.

1. PhD student, Department of Islamic Philosophy and Theology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.
2. Associate Professor, Department of Islamic Philosophy and Theology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran (Corresponding Author).
3. Assistant Professor, Department of Islamic Philosophy and Theology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: ajavanpor@iaut.ac.ir

Article History

Received: 2023/04/04

Accepted: 2023/05/30

ABSTRACT

Purpose: One of the main concerns of progressive families at different levels is how to create suitable platforms for family members at all levels so that they can work with a sense of responsibility, complete commitment and loyalty to the issues in their society and family. Work and observe the principles of morality governing their society and family. Based on this, the present study was written with the aim of investigating the effect of Islamic moral philosophy on family relationships from the perspective of Allameh Tabatabai.

Materials and Methods: This research is applied in terms of purpose and descriptive-analytical in terms of nature. The method of collecting information was in the form of a document library. The subject area of the research is Islamic ethics and its time area is the first half of 1402.

Findings: Allameh Tabatabai, in explaining the hidden angles related to Islamic education and ethics, believes that the deviations that occur in the course of human beings towards their goals are only due to errors in its implementation and application, and not because of falsehood. The innateness of the decree and the purpose of creation must be realized sooner or later. In relation to mental preparation in the family, he states that for the mental development of people, they should follow public guidance and human guidance as a general rule; The characteristics and privileges of humans in crossing the paths of life; distinguishing human from other creatures; The application of reason in guiding man to the divine law, he noticed that walking in this path leads to human perfection and this is the goal of real moral and Islamic education. In terms of physical fitness, he places the greatest emphasis on childhood as the cornerstone of man, and by emphasizing the impact of social fitness on human education, he believes that God refers to social cooperation in order to be self-interested. He considers the most important reason for deviation to be the weakening of the relationship between man and God, and he considers the first manifestation of deviation from Islamic moral philosophy to be deviation in belief.

Conclusion: Deviation in thought is the first cause of denial caused by negligent upbringing of teenagers. Allameh Tabatabai considers the causes of deviation to be caused by two general factors, the influence of different beliefs of other religions and civilizations (social communication) and the influence of distorting actions by individuals, specific goals and methods. If worship is viewed as merely performing religious rites such as prayer, fasting, etc., if other behaviors and ethics are not included, then worship becomes a distorted concept and there is a gap between the life of a Muslim in the mosque and outside it. And it leads to deviation in its application and implementation that even religious rituals are deviated from the truth and purpose. He considers deviation, especially belief, to be the most dangerous type for the Muslim faith. Therefore, for the preparation of the family, Islamic ethics and ultimately the upbringing of children and teenagers, it is necessary to have a thought far from denial and deviation.

Keywords: Moral Philosophy, Allameh Tabatabai, Family Relations, Influence, Deviation

فلسفه اخلاق اسلامی و تاثیر آن بر روابط خانوادگی از

دیدگاه علامه محمدحسین طباطبایی فیلسوف معاصر

محمد غفور مصطفی^۳

دانشجوی دکتری، گروه فلسفه و کلام اسلامی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

عزیز جوانپور هروی^{*۱}

دانشیار، گروه فلسفه و کلام اسلامی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول).

حسین نوروزی تیمورلویی^۲

استادیار، گروه فلسفه و کلام اسلامی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

چکیده

هدف: یکی از عمده ترین دغدغه های خانواده های مترقی در سطوح مختلف، چگونگی ایجاد بسترهای مناسب برای اعضاء خانواده در تمام سطوح است تا آنها با حس مسئولیت پذیری، تعهد کامل و وفاداری به مسایل موجود در جامعه و خانواده خود به کار پردازند و اصول اخلاق حاکم بر جامعه و خانواده خود را رعایت کنند. بر همین اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر فلسفه اخلاق اسلامی بر روابط خانوادگی از دیدگاه علامه طباطبایی به نگارش درآمده است.

مواد و روش ها: این پژوهش بر حسب هدف، کاربردی و به لحاظ ماهیت، توصیفی - تحلیلی است. روش جمع آوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای - اسنادی بوده است. قلمرو موضوعی پژوهش، اخلاق اسلامی و قلمرو زمانی آن، نیمه اول سال ۱۴۰۲ می باشد.

یافته ها: علامه طباطبائی در تبیین زوایای پنهان مربوط به تربیت و اخلاق اسلامی معتقدست انحرافات که در سیر بشر به سوی اهدافش روی می دهد، فقط به علت خطا در اجرا و کاربرد آنست و نه از جهت باطل بودن فطری حکم و هدف خلقت، دیر یا زود باید محقق شود. وی در رابطه با آمادگی ذهنی در خانواده عنوان می کند برای رشد ذهنی افراد باید به هدایت عامه و هدایت انسان به عنوان قانون کلی؛ ویژگی و امتیاز انسان در عبور از مسیرهای زندگی؛ وجه تمایز انسان از سایر موجودات؛ بکارگیری عقل در هدایت انسان به قانون الهی، توجه نمود که گام نهادن در این مسیر، به کمال انسانی می انجامد و این همان هدف تربیت اخلاقی و اسلامی واقعی است. وی در آمادگی جسمی، بیشترین تأکید را بر دوره کودکی به عنوان سنگ بنای انسان دارد و با تأکید بر تاثیر آمادگی اجتماعی در تربیت انسان، معتقدست به جهت منافع گرا بودن انسان، خداوند به همکاری اجتماعی اشاره می کند. ایشان مهمترین زمینه انحراف را سست شدن رابطه انسان با خداوند می داند و اولین جلوه انحراف از فلسفه اخلاق اسلامی را انحراف در باور می داند.

نتیجه گیری: انحراف در اندیشه بعنوان نخستین عامل ایجاد انکار ناشی از تربیت سهل انگارانه نوجوان است. علامه-طباطبایی علل انحراف را ناشی از دو عامل کلی تأثیر عقاید مختلف ادیان و تمدنهای دیگر (ارتباط اجتماعی) و تأثیر اقدامات تحریفی توسط افراد، اهداف و روشهای خاص می داند. اگر نگاه به عبادت بعنوان به جا آوردن صرف مناسک عبادی مانند نماز، روزه و...، اگر سایر رفتارها و اخلاقیات را شامل نشود، عبادت دچار مفهوم انحرافی شده و میان زندگی مسلمان در مسجد و خارج از آن فاصله می افتد و به انحراف در کاربرد و اجرای آن می انجامد که حتی مناسک عبادی نیز از حقیقت و هدف دچار انحراف می شود. وی، انحراف خصوصاً اعتقادی را خطرناکترین نوع برای ایمان-مسلمان می داند. پس برای آمادگی خانواده، اخلاقیات اسلامی و در نهایت تربیت فرزند و نوجوان، داشتن اندیشه ای به دور از انکار و انحراف نیازمند است.

واژگان کلیدی: فلسفه اخلاق، علامه طباطبایی، روابط خانوادگی، تاثیر، انحراف.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۹

*نویسنده مسئول: ajavanpor@iaut.ac.ir

مقدمه

از دیرباز، انسان زندگی اجتماعی خود را بر اساس باورها و گزاره های اخلاقی بنا نهاده است. بشریت همواره می دانسته که راست گویی خوب است، انسان باید راست بگوید، انسان نباید در امانت خیانت کند و... (۱) ولی پرسش های دیگری نیز وجود دارند که نمی توان برای آن ها پاسخ روشنی در علم اخلاق مرسوم جستجو کرد. پرسش هایی از قبیل اینکه این گزاره ها از کجا آمده اند، خوبی یعنی چه؟ چه کسی ما را الزام می کند که راست بگوییم؟ این باید های اخلاقی از کجا ناشی می شوند؟ آیا این قضایا که راست گویی خوب است و یا اینکه دروغ گویی بد است، گزاره های صحیحی هستند؟ صحت آن ها از کجا ثابت می شود؟ (۲). از دیدگاه قرآن کریم، یکی از مهم ترین رسالت های اسلام، کمک به انسان در فراگیری اخلاق و آیین زندگی و در واقع، به هنجار نمودن رفتار و درمان بیمارهای نفسانی انسان و در نتیجه ایجاد جامعه مطلوب و برخوردار از موازین صحیح اخلاقی است (۳). این جامعه (مطلوب) انسانی از واحدهای کوچک تری شکل می گیرد که خانواده بعنوان قدیمی ترین و طبیعی ترین آن، هسته مرکزی اجتماع بوده و قانون حفظ سنن ملی و مرکز رشد عواطف و احساسات است. این واحد بعنوان سنگ بنای اول ساختمان اجتماع، هر چه از استحکام بیش تری برخوردار باشد، به استحکام بیش تر جامعه منجر خواهد شد، لذا خانواده در حفظ و گسترش قدرت ملی و از آن سو، انحطاط و تباهی ملت ها نقش اساسی دارد (۴). این اهمیت در کنار تأکید خداوند متعال بر اهتمام به صلاح خانواده در سوره فرقان بعنوان سیره پسندیده ای که در قرآن کریم به حضرت ابراهیم (ع) نسبت داده شده است، اهمیت و اهتمام به خانواده را بیش از پیش نمایان می سازد (۵). با این وجود، در شرایط کنونی رعایت نشدن برخی معیارهای اخلاقی نگرانیهای زیادی را در بخشهایی از جامعه بوجود آورده

است تا جائیکه سقوط معیارهای رفتاری در بخش خانوادگی، پژوهشگران را واداشته تا در جستجوی مبناهای نظری در این رابطه بوده تا بتوانند مسیر مناسب اجرایی آن را فراهم سازند (۱). بر همین اساس، یکی از عمده‌ترین دغدغه‌های خانواده‌های مرفه‌تر در سطوح مختلف، چگونگی ایجاد بسترهای مناسب برای اعضای خانواده در تمام سطوح است تا آنها با حس مسئولیت‌پذیری، تعهد کامل و وفاداری به مسایل موجود در جامعه و خانواده خود به کار بپردازند و اصول اخلاق حاکم بر جامعه و خانواده خود را رعایت کنند. بنابراین امروزه خانواده با تهدیدهای مختلفی روبروست که یکی از مهمترین راههای برون‌رفت از این وضعیت، رعایت اخلاق است (۴). اخلاق خانواده یکی از شاخه‌های اخلاق است که حکما و دانشمندان تدوین‌کننده علم اخلاق از قدیم بدان توجه ویژه می‌نموده‌اند؛ بعنوان نمونه ارسطو در فلسفه سیاست با تأکید بر این نکته که «هر شهری از خانواده‌ها فراهم می‌آید»، جایگاه خاصی برای خانواده قابل بوده و بخش اول کتاب سیاست را به بحث تدبیر منزل اختصاص داده است (۶). در کتاب‌های اخلاق اسلامی نیز بعضاً بخش مجزایی در این باب وجود دارد؛ از جمله اخلاق ناصری خواجه نصیرالدین طوسی که مقاله دوم آن به تدبیر منزل و بیان جامع مباحث آن اختصاص یافته است (۴).

اخلاقیات در جامعه بعنوان سیستمی از ارزشها و بیدها و نبایدها تعریف می‌شود و به‌طور کلی انسانها در بعد فردی و شخصیتی، دارای ویژگی‌های خاص اخلاقی هستند که همین رفتارهای متفاوت اخلاقی افراد بعنوان اعضای خانواده، در یک طیف خطی که یک سر آن سلامت اجتماعی و سر دیگران آن طیف فساد اجتماعی هست، بعنوان تبعیت یا عدم تبعیت از قانون اخلاقی قابل تحلیل می‌باشد (۶). از نظر شهید مطهری، انگیزه تبعیت از قانون اخلاقی از آن رو است که قانون اخلاقی مورد رضایت خداست و چون از ناحیه خداست، زیباست و هر انسانی دوست دارد رضایت محبوب واقعی خود را برآورد کند (۷). علما فلسفه اخلاق اسلامی را با تحقیقات خود اشباع کردند و همچنان از علوم آن بهره می‌برند. حقیقتاً نظریات فلسفه اخلاق علامه طباطبایی از نظریات اخلاق پیشینیانش کم‌اهمیت‌تر نیست، لذا صد مروراید از اعماق دریای مواج فقه، فلسفه و دانش این عالم بزرگوار با روی آسان که فهم آن برای طالب علم دشوار نباشد، وفاداری نسبت به او به حساب می‌آید؛ چرا که آگاهی از این تعالیم و پایبندی به عملی کردن آن جامعه اسلامی را در بی خواهد داشت که به وظایف خود آشنایی و تعهد دارد، بویژه آثار فلسفه اخلاق که این تعالیم بر روابط خانوادگی اثر می‌گذارد که وی بارها این روابط را در نظریات خود مورد بررسی قرار داده است. اگرچه سبک ایشان فلسفی است، اما با تلاش و کوشش فراوان سعی در ساده‌سازی نظریات خود و پیوند آن با واقعیت‌های معاصر داشت و راه‌حل‌های موثری برای بسیاری از مشکلات دوران حاضر ارائه کرد. از اینجا ایده تحقیق در این باره ایجاد شد و با توجه به اینکه پایبندی به موازین اخلاقی در خانواده، در مقام کوچک‌ترین نهاد جامعه از اهمیتی ویژه برخوردار است، این پژوهش به بررسی تأثیر اخلاق بر روابط خانوادگی از دیدگاه علامه محمدحسین طباطبایی پرداخته است. اهمیت بررسی این موضوع در این است که فلسفه اخلاق از منظر اسلامی یک نیاز

ضروری برای روشن شدن انحرافات است که امت اسلام در جامعه پشت سر گذاشته و باید آثار منفی این انحرافات زودده شود تا تبدیل به امتی آگاه و نفوذناپذیر شده و این دین و پیام را به همه بشریت برساند. باید بداند که اگر چنین رسالتی را در پیش گیرد، باید مسلح به ابزارهای علم باشد تا آماده و شایسته چنین مأموریت و رسالتی باشد، همه نسل‌ها باید به اهمیت و بزرگی این مسئولیتی که بر دوش دارند، آگاه باشند.

وهاب بو قرن (۲۰۱۴)، در پژوهشی با عنوان «مسئولیت خانواده مسلمان در اخلاق صحیح فرزندان در درون خانواده با استفاده از اصول اخلاق اسلامی»، با پرداختن به فلسفه اخلاق و رابطه آن با خانواده در اخلاق نسل جوان آینده سهمیم است. وجه اشتراک بین این پایان‌نامه و تحقیق اخیر دیده می‌شود (۸). علی آل ردهان الغامدی (۲۰۱۳)، در پژوهشی با عنوان «قواعد اخلاقی و روش‌شناختی اصول آن در قرآن کریم»، به مجموعه‌ای از قواعد رفتاری برگرفته از قرآن کریم می‌پردازد. تفاوت این تحقیق با تحقیق حاضر در این است که پژوهش ذکر شده منحصر در یکی از اصول اخلاقی یعنی همان قرآن کریم است، اما پژوهش اخیر شامل تأثیر فلسفه اخلاق بر روابط خانوادگی از منظر علامه طباطبایی است که از طریق تحقیق در منابع متفاوت صورت می‌گیرد. سعید بن محمد بن مصلح القرنی (۲۰۱۲)، در پژوهشی با عنوان «فلسفه اخلاق از دیدگاه بدیع‌الزمانی سعید النورسی»، به‌طور ویژه به فلسفه اخلاق سعید النورسی پرداخته است. تفاوت این تحقیق با تحقیق حاضر در این است که تحقیق اخیر جامع‌تر و مدرن‌تر است که به نظریات یک عالم و فیلسوف معاصر محدود می‌شود. علیرضا صادق‌زاده (۲۰۱۰)، در پژوهشی با عنوان «الگوی نظری در فلسفه اخلاقی از دیدگاه علامه طباطبایی» که پژوهشی درباره یک اصطلاح فلسفی - اخلاقی است، موضوع را از دیدگاه علامه طباطبایی در همه کتاب‌هایش بررسی کرده و بطور خاص، به فلسفه اخلاق نپرداخته است؛ موضوع تحقیق اخیر از دیدگاه علامه طباطبایی، تأثیر فلسفه اخلاق را در روابط خانوادگی جستجو می‌کند و فلسفه اخلاق را نیز از دیدگاه وی مورد بررسی قرار می‌دهد (۹). تیرنوا سعد جالو (۲۰۱۰)، در پژوهشی با عنوان «اخلاق دینی و تأثیر آن بر فرد و جامعه»، برخی مسائل اخلاق دینی و تأثیر آن بر فرد و جامعه را بررسی کرده است. وجه مشترک و ویژگی بارز این تحقیق، اطلاعات علمی و مستند آن در بیش از ۱۵۰ صفحه است که نه بطور کامل، بلکه بطور جزئی با تحقیق اخیر همخوانی دارد؛ البته با چنین جامعیتی با موضوع تحقیق اخیر متفاوت است، زیرا تحقیق حاضر بطور کلی و عام به موضوع فلسفه اخلاق و تأثیر آن بر روابط خانوادگی پرداخته اما آن تحقیق منحصر محدود به اخلاق اسلامی می‌باشد.

همانگونه که بیان شد اسن پژوهش با هدف بررسی تأثیر اخلاق بر روابط خانوادگی از دیدگاه علامه محمدحسین طباطبایی به نگارش درآمده است؛ بنابراین، روش پژوهش کیفی - اسنادی بوده و جامعه آماری را منابع انتشار یافته در حوزه اخلاق اسلامی و خانواده تشکیل داده است. روش جمع‌آوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و ابزار آن فیش کتابخانه بوده است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از روش توصیفی - تحلیلی پیروی شده است.

مواد و روش ها

پژوهش حاضر بر حسب هدف، کاربردی و به لحاظ ماهیت، توصیفی - تحلیلی است. روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای-اسنادی بوده است. قلمرو موضوعی پژوهش، اخلاق اسلامی و قلمرو زمانی آن، نیمه اول سال ۱۴۰۲ می‌باشد.

فلسفه اخلاق اسلامی و جایگاه آن در فرآیند اخلاقی

بسیاری بر این باورند که نخستین جوانه‌های فلسفه اخلاق در سال ۱۹۰۳ م با انتشار کتاب مبانی اخلاق جورج ادوارد مور زده شد؛ البته بی‌شک پیش از مور نیز این مباحث، هرچند به صورت پراکنده وجود داشته است. در عالم اسلام نیز، بحث فلسفه اخلاق به طور مستقل و به عنوان یک علم در کنار سایر رشته‌های علمی، مطرح نبوده و حتی یک کتاب یا رساله تحت این نام در میان گذشتگان سراغ نداریم، اما این به معنای آن نیست که مسائل و مباحث مربوط به فلسفه اخلاق در سایر علوم اسلامی و در لابه‌لای مباحث فلسفی و اعتقادی هم مطرح نشده باشد. قرآن کریم در آیات زیادی به موضوع اخلاق و اخلاق اسلامی پرداخته است تا جاییکه ما را به صفات و اخلاق نیکو دستور می‌دهد و رابطه اعضای خانواده را مشخص کرده است.

فلسفه اخلاق عبارت است از مطالعه و تجزیه و تحلیل کلمات و عباراتی که در زندگی اخلاقی خود بکار می‌بریم. باید از این الفاظ در جایگاه درست خود استفاده کرد که دلالت بر آن دارد، مثل: دروغ‌زدیت اخلاقی است، باید به عهدی که با خود بستم وفا کنم و غیره. کارکرد فلسفه اخلاق این است که با تفسیر آن در پرتو مفاهیم کلی که فرآیندهای انتخاب اهداف و خط‌مشی‌های اخلاقی را هدایت می‌کند، درک کند (۱۰). فلسفه اخلاق، محور اصلی فرآیند اخلاقی است و از این فلسفه اهداف اخلاقی و رویکردها، نهادها، روشها و ابزارهای اخلاق صحیح سرچشمه می‌گیرد (۱۱).

چیزی که آن را فلسفه اخلاق معاصر می‌نامند عهده‌دار بحث فلسفی درباره مسائل اخلاقی است و سه حوزه عمده را در برمی‌گیرد: اخلاق هنجاری؛ اخلاق کاربردی؛ اخلاق. اخلاق هنجاری با نظریه‌هایی سر و کار دارد که به ما می‌گویند انجام دادن یا ندادن کدام اعمال برحسب اراده روا یا نارواست. نظریه‌های اخلاقی‌ای چون وظیفه‌گروی، فایده‌گروی، اخلاق فضیلت، اخلاق اسلامی، اخلاق بودایی، و مانند اینها جزو این شاخه از علم اخلاق‌اند. فرااخلاق نیز بیشتر با مسأله‌های انتزاعی سر و کار دارد: هستی‌شناسی اخلاقی؛ شناخت‌شناسی اخلاقی؛ دلالت‌شناسی اخلاقی.

تاثیر انحراف بر خانواده در آمادگی روحی، روانی، جسمی و اجتماعی

امروزه به دلیل از بین رفتن مرزها بخاطر گسترش رسانه‌ها، ابزارها و وسایل ارتباطی جمعی، شاهد آنیم که جوامع اسلامی تحت تأثیر گسترده جوامع غربی قرار گرفته و از مسیر صحیحی که شریعت اسلامی ترسیم کرده است، منحرف شده و در میان فرهنگهای مختلف غربی دچار سردرگمی شده‌اند. در نتیجه این تهاجم نقشی

که شریعت اسلام برای خانواده مسلمان تعریف کرده، از بین رفته است و به همین علت نظم عمومی جوامع اسلامی دچار تزلزل شده و با سنت‌های غربی درهم آمیخته است (۱). اخلاق اسلامی نادیده گرفته می‌شود تا جاییکه برخی آن را عادت‌های رفتاری کهنه می-شمارند؛ برای خروج از این بن‌بست خطرناک، باید خانواده مسلمان نقشی را که اسلام برای آن تعریف و ترسیم کرده است، بازابد. دین مبین اسلام انسان را موجودی یکپارچه با قوای به هم پیوسته می‌داند، به‌رغم اینکه این موجود یکپارچه دارای ابعاد سه‌گانه (روح، جسم و عقل) است؛ یک هستی واحدی را تشکیل می‌دهد که اجزای آن کاملاً درهم تنیده و بهم پیوسته‌اند که آن را می‌توان پایه‌های اصلی شخصیت انسان نامید (۱۲). ارتباط میان ابعاد سه‌گانه وجود انسان در این حد خلاصه نمی‌شود. بهترین مثالی که میزان ارتباط میان این سه را نشان می‌دهد و این ابعاد سه‌گانه بطور مشترک در آن مشارکت دارند، نماز فرد مسلمان است (سهم جسم حرکت شامل قیام، رکوع، سجود و سکون است؛ سهم عقل تفکر و اندیشه در نیایش‌ها و آیات؛ و سهم روح، خضوع و خشوع، تقوا و چشم‌دوختن به رحمت و رأفت الهی). (۱۳).

این امر نشان می‌دهد که رابطه میان جسم، عقل و روح را می‌توان در این نکته خلاصه کرد که تربیت اسلامی به دنبال بهره‌گیری کامل از انرژیها و قابلیت‌های ابعاد سه‌گانه انسان و بکارگیری هماهنگ آن برای رسیدن به یک هدف متعالی است و هدف کلی آن و توانایی‌های جسمی و بدنی برای رسیدن به تعبد و عبادت خالصانه می‌باشد، آنجا که می‌فرماید: □ وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ^۱ و عمل به مأموریت جانشینی بر روی زمین، بر اساس فرموده خداوند متعال؛ □ وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً^۲ و اصلاح زمین و آبادانی آن به گونه‌ای که با شریعت خدا و راه و روش استوار آن مطابقت داشته باشد، آنجا که می‌فرماید: □ هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَأَسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا^۳ و توانایی عقل برای تدبیر، تفکر و تعمق در نشانه‌های بزرگ هستی بکار گرفته می‌شود، نشانه‌هایی که خداوند متعال بندگان را به تفکر و تعقل درباره آن فرا می‌خواند، می‌فرماید: □ إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ^۴ و فرمود: □ أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ. همه اینها باید تحت عنوانی مهم یعنی اخلاق اسلامی گنجانده شود و فرد مسلمان باید متخلق به این اخلاق باشد، چرا که این ویژگی وجه تمایز او از سایر مردم است.

انحراف در لغت به معنای گمراهی و کجراهی است. «الحرف» در هر چیزی به معنای گوشه و لبه آن است، خداوند می‌فرماید: □ وَمِنَ النَّاسِ مَن يُعْبِدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ^۵ یعنی: دچار تردید و عدم اطمینان است (۱۴). انحراف در اصطلاح تفاوت فرد در یک یا چند ویژگی با استانداردهای رایج در بین همسالان خود است (۱۵). در نهایت، در مورد انحراف باید گفت که همان رعایت نکردن هنجارها است (۱۶ و ۱۷). از آنچه

^۴ سوره رعد، آیه ۳.

^۵ سوره حج، آیه ۱۱.

^۱ سوره الذاریات، آیه ۵۶.

^۲ سوره بقره، آیه ۳۰.

^۳ سوره هود، آیه ۶۱.

خداوند را یاد و عبادت نمی کند، مؤمن به خدا و روز قیامت بدانیم، اخلاق پسندیده در انسان زنده نمی ماند مگر اینکه با اعمال و رفتار متناسب با آن مقارن و همراه باشد.^۵ علامه سپس برای آن دلیل می آورد و می گوید: (خداوند متعال درباره ارتباط باورهای حقیقی با اخلاق پسندیده می فرماید: *إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ* و حق تعالی درباره پیوند ایمان با عمل می فرماید: *ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ آسَأَوْا السَّوْءَ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِؤْنَ*)^۶.

دفاع از اسلام و توضیح و تبیین زوایای پنهان متون دینی به ویژه متون مربوط به تربیت و اخلاق اسلامی از ویژگی بارز فلسفه علامه طباطبائی است، آنجا که می گوید: اما انحرافات که در سیر بشر به سوی اهدافش و رسیدن به اوج کمال روی می دهد، فقط به علت خطا در اجرا و کاربرد آن است و نه از جهت باطل بودن فطری حکم، هدفی که خلقت و آفرینش آن را دنبال می کند، دیر یا زود باید محقق شود، خداوند سبحان می فرماید: *(فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَرِيمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ)*^۷ مقصود این است که آن را به تفصیل و جزئیات کامل نمی دانند؛ اگر چه قطرتشان آن را به طور کلی به آنها آموخته است.^۸

اما تفسیر علامه از فرموده حق تعالی *(إِيَّاكَ نَعْبُدُ)* «تنها تو را می پرستیم» از ارزشمندترین مطالبی است که آن مرحوم گفته است: اما از جانب خدای عز و جل، اینکه از جانب معبودی با حضور قلبی عبادت شود، پس او موجب توجه و التفات است — برگرفته از سخن حقی که تنها تو را می پرستیم — اما از جانب بنده این است که عبادت او، عبادت بنده ای با حضور قلبی باشد نه اینکه در عبادتش حضور نداشته باشد، در نتیجه عبادت فقط جنبه صوری و ظاهری داشته و هیچ معنا و مفهومی در آن نباشد و همه اینها شرک در عبادت است که از آن نهی شده است، خداوند در این باره می فرماید: *(فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ)*^۹ و می فرماید: *(أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ)*^{۱۰} عبادت زمانی عبادت واقعی است که همراه با خلوص نیت بنده و حضور قلبی که گفته شد، همراه باشد و زمانی چنین عبادتی محقق می شود که بنده به کسی غیر از خدای متعال مشغول نباشد.

• آمادگی ذهنی

خانواده نقش عمده ای در پرورش عشق و علاقه کودک به دانستن، تقویت تخیل و رشد تواناییهای او و پذیرش احساسات دیگران دارد

گذشت روشن می شود که انحراف، رویگرداندن از مسیر درستی است که افراد جامعه آن را طی می کنند، بنابراین هر خصلتی که مخالف عقل سلیمی باشد که خداوند مردم را بر اساس آن آفریده، انحراف نامیده می شود. خانواده مسلمان کانونی است که فرزندان خود را در برابر انحراف حمایت می کند و مانع از انحراف آنها از مسیر درست می شود (۱۸). برای ممانعت از انحراف فرد مسلمان، محورهایی برای تربیت از طرف علمای اسلام و سپس از سوی علامه طباطبائی تشریح و تبیین شده است:

• آمادگی روحی و روانی

یکی از مهمترین مسئولیت های خانواده این است که تعالیم، آداب و رسوم و تعاملات متناسب با سن کودک را به او آموزش دهد و کودک را علاقه مند به اسلام و اخلاق اسلامی تربیت کند. شاهد آن نیز حدیثی از پیامبر اکرم (ص) است که می فرماید: *(مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلَاةِ وَهُمْ أَبْنَاءُ سِنِينَ وَأَضْرِبُوهُمْ عَلَيْهَا وَهُمْ أَبْنَاءُ عَشْرٍ سِنِينَ وَفَرِّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ)*^۱ «فرزندان خود را از هفت سالگی به خواندن نماز امر کنید، در صورت مخالفت در ۱۰ سالگی به صورت مناسب آنان را تنبیه و محل خواب پسران و دختران را در این سن جدا کنید». این یک راهنمایی و دستور از جانب پیامبر (ص) برای والدین است است تا از سنین خردسالی تعامل خود را با فرزندان خود تنظیم و کنترل کنند و در این مقطع سه مقوله (۱) حائز اهمیت است و آن عبارت است از: امر به نماز؛ تنبیه بخاطر نماز؛ جدا کردن محل خواب از ده سالگی.

علامه طباطبائی در کتابهای خود به جنبه معنوی شخصیت انسان بسیار اهمیت می دهد؛ بر همین اساس در کتاب «القرآن فی الإسلام» می نویسد: شناخت خداوند متعال و اعتقاد به وحدانیت او را اولین اصل از اصول دین قرار داد و از طریق شناخت خداوند به روز رستخیر و اعتقاد به روز قیامت رهنمون شد و این دومین اصل از اصول دین است؛ سپس از طریق اعتقاد به معاد به اصل سوم یعنی نبوت می رسد، زیرا رسیدگی به اعمال تنها پس از شناخت اطاعت و معصیت و خوب و بود امکانپذیر است. وی اخلاق و صفتهای نیکو را که متناسب با اصول سه گانه دین است، تشریح کرد که هر انسان مؤمنی باید متخلق به این اخلاق باشد.^۲

علامه طباطبائی توضیح می دهد که هر کس دارای اخلاق حسنه باشد، نمی تواند با کنار گذاشتن آن به اخلاق ناپسند روی بیاورد. می گوید: نمی توانیم باور کنیم که یک انسان پاکدامن باشد و در عین حال غرق در مسائل جنسی حرام باشد، دزدی و خیانت در امانت کند و ... همچنین نمی توانیم فردی را که در طول شبانه روز

^۱ التریبۃ الأسریة وأثرها علی الطفل، بحث منشور فی مجلة منشورات کلیة الدعوة، ۱۹۸۸م، طرابلس، لیبیا، ص ۲۷۵.

^۲ این حدیث را ابو داود استخراج کرده است. سلیمان بن الأشعث بن شداد بن عمرو الأزدی السجستانی (ت ۲۷۵هـ)، سنن أبی داود، تحقیق: محمد محی الدین عبد الحمید، (د.ت.ط)، بیروت، دار الکتب العربی، کتاب الصلاة، باب منی یؤمر الغلام بالصلاة، ح (۴۹۵)، ج ۱، ص ۲۳۹.

^۳ طباطبائی، القرآن فی الإسلام، ص ۵.

^۴ همان منبع، ص ۱۵-۱۶.

^۵ سوره فاطر، آیه ۱۰.

^۶ سوره روم، آیه ۱۰.

^۷ طباطبائی، القرآن فی الإسلام، ص ۱۶.

^۸ سوره روم، آیه ۳۰.

^۹ طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۱۳۱-۱۳۲.

^{۱۰} سوره زمر، آیه ۲.

^{۱۱} سوره زمر، آیه ۳.

تربیت اخلاقی و اسلامی واقعی است. علامه در این باره گفته است: این کمال انسانی همانند سایر کمالات به گونه‌ای است که فقط افراد خاص می‌توانند به آن دست یابند، اگر چه مخاطب دعوت همگان هستند، تربیت دینی مردم تنها منجر به کمال تطهیر در افراد خاص می‌شود و در برخی دیگر منجر به تطهیر می‌شود که این امر با توجه به اختلاف درجات مردم متفاوت است، همانطور که اسلام به شایستگی تقوا در عمل دعوت می‌کند، آنجا که خداوند می‌فرماید: (اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ^۹) اما کمال و بالاترین درجه آن در افراد خاصی حاصل می‌شود.^{۱۰}

• آمادگی جسمی

با توجه به اینکه سلامت جسمانی برای انجام اعمال عبادی که خداوند آن را واجب کرده است، لازم است، دین اسلام به سلامت جسمانی و بدنی اهتمام ویژه دارد. یکی از اولویتهای فلسفه اسلامی در تربیت و اخلاق توجه به جسم افراد در دوران بارداری، پس از تولد و تربیت و پرورش کودک و نوجوان و حتی بعد از سن بلوغ است، ولی همیشه دوره کودکی به عنوان اصلی که هر کس از کودکی سالم باشد در بقیه عمرش نیز سالم است، مورد تأکید قرار دارد. بر همین اساس، علت سلامتی کودک به خانواده بویژه مادر بستگی دارد، بسیاری از ناتوانی‌ها و بیماریها بویژه نابینایی، ناشنوایی و بیماریهای سینه در نتیجه بی‌توجهی پدر و مادر به کودک در سالهای اول زندگی به وجود می‌آید.^{۱۱}

از این منظر اسلام به شیر دادن کودک به مدت دو سال کامل توصیه می‌کند، خداوند متعال می‌فرماید: (وَالْوَالِدَاتُ يُرْضَعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنْمِ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تَكْلَفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لِأَتَصَارَ وَالِدَةٌ بَوْلِدًا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بَوْلِدٌ^{۱۲}) و اینکه حضانت کودک با مادرش باشد، چرا که او مناسبترین فرد برای فهم نیازهای کودک و برآورده کردن آنها می‌باشد، پدران نیز باید ورزش را به فرزندانشان آموزش دهند زیرا به آنها آمادگی جسمانی می‌دهد.

• آمادگی اجتماعی

یکی از مهمترین وظایف والدین کمک به فرزندانشان برای کسب شماری از عناصر بلوغ اجتماعی است، همانند اعتماد به نفس، توانایی تصمیم‌گیری، مشورت از دیگران، تمایل به زندگی اجتماعی و نص صریح دعوت الهی خطاب به مؤمنان است، آنجا که می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ^{۱۳}) و پیامبر اکرم (ص) در حدیث استرعااء بر آن تأکید کرده است: (كَلِّمُوا رَاعٍ وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، فَالْإِمَامُ رَاعٍ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ

و باید با صبر و حوصله، سوالات کودک را پذیرا بود؛ چرا که این امر به رشد تواناییهای ذهنی او و سپس تشخیص عقلی، فکری و فرهنگی اش کمک می‌کند و این مهم از رهگذر آموزش همه مسائل سودمند علوم شرعی، فرهنگی و معاصر صورت می‌گیرد؛ زیرا این امر اساس تربیت صحیح اخلاقی است.

علامه طباطبائی به جنبه آمادگی ذهنی در خانواده بطور خاص و در جامعه بطور عام توجه کرده است. در این باره گفته است: باید عقل سلیم بر انسان حاکم باشد و نه خواهش‌های نفسانی و عواطف و احساسات مخالف عقل.^۱ وی مواردی را مطرح کرده که برای رشد ذهنی و عقلی افراد باید به آنها توجه کرد که می‌توان اینگونه خلاصه کرد:

۱. هدایت عامه و هدایت انسان؛ این قانون کلی است که شامل انسان می‌شود، همانطور که شامل سایر مخلوقات نیز می‌شود. زیرا انسان در زندگی هدف دارد و خداوند در او هر آنچه که را امکان رسیدن و دستیابی و موفقیت در مسیر طولانی‌اش را فراهم می‌کند، به امانت گذاشته است. در چارچوب این قانون رسیدن به کمال و سعادت است. خداوند می‌فرماید: (إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نَطْفَةٍ أََمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا^۲) و می‌فرماید: (مَنْ نَطْفَةَ خَلْقَهُ فَقَدَرَهُ ثُمَّ السَّبِيلَ يَسْرَةً^۳)^۴ مقصود از عقل در این دو آیه قدرت تشخیص است.

۲. ویژگی و امتیاز انسان در عبور از مسیرهای زندگی. وجه تمایز حیوانات از سایر موجودات در اعمال ناشی از فهم و ادراک است. سرچشمه اعمال و رفتارهای انسان عقل است. آنچه عقل آن را سودمند بداند و هیچ ضرری در آن نباشد، عمل به آن واجب دانسته می‌شود.^۵

۳. بکارگیری عقل در هدایت انسان به قانون الهی، زیرا این هدایت هرچه باشد، در زندگی برای او هدفی قرار داد که تضمین‌کننده سعادت او است.^۶

مرحوم علامه طباطبائی بر وجوب توجه به جانب عقلی تأکید کرده و گفته است: خداوند متعال به مردم دستور داده است که عقل و اندیشه خود را در نشانه‌های درونی و بیرونی بطور کلی در منابع کلام او و به تفصیل در موارد دیگر بکار گیرند؛ همانند آفرینش آسمان و زمین، کوهها و ...^۷ و همچنین گفته است: آموزه‌های قرآنی مبتنی بر نشر معارف دینی و آموزش معارف مفید به مردم است؛ یا آنچه که مربوط به کلیات عقلی یا مربوط به کلیات مادی و یا خارج از عالم شهادت باشد، در اینجا عقل اعتبار قطعی پیدا می‌کند.^۸ او تصریح کرده است که گام نهادن در این مسیر به کمال انسانی می‌انجامد که افراد در درجات آن تفاوت دارند و این همان هدف

^۱ علامه طباطبائی، القرآن فی الإسلام، ص ۱۳.

^۲ سوره انسان، آیات ۲-۳

^۳ سوره عبس، آیات ۲۰-۱۹

^۴ علامه طباطبائی، القرآن فی الإسلام، ۹۱-۹۲.

^۵ همان منبع، ص ۹۴.

^۶ همان منبع، صفحه ۹۷.

^۷ علامه طباطبائی، القرآن فی الإسلام، ج ۳، ص ۵۷.

^۸ علامه طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۳۱۲.

^۹ سوره آل عمران، آیه ۱۰۲.

^{۱۰} علامه طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۵۸.

^{۱۱} أبو فروة، مجله الأسرة العربية اللیبیة و تربیة الطفل، ص ۳۲۶.

^{۱۲} سوره بقره، آیه ۲۳۳.

^{۱۳} سوره تحریم، آیه ۶.

یُرْجَعُونَ^۷) و انگیزه چنین افرادی جهل و نادانی، ترس و یا فریب داشته های دیگران را خوردن است. آخرین دسته از افراد متکبر کسانی هستند که به دلیل عدم درک و تصور با حواس خود از روز قیامت، این عقیده را از پیامبر نمی پذیرند. آنجا که می فرماید: (وَقَالَ الَّذِينَ لَا يُرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةُ أَوْ نَرَى رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتْوًا كَبِيرًا^۸).

عوامل مؤثر بر انحراف عقیده

الف) انحراف در عقیده

عوامل مؤثر بر انحراف عقیده، آن دسته از علل بیرونی هستند که بر اعتقادات تاثیر می گذارند و منجر به انحراف و عدول آن از حق به باطل می شوند.

علت انحراف در عقیده ناشی از ورود اطلاعات غلط است که در ذهن انسان ماندگار می شود، پس ممکن است با تردیها و گمانهای او یا هوی و هوس او منطبق باشد یا محیطی جمعی ایجاد کند که باورهای ناشی از اطلاعات نادرست را بپذیرد. تاثیرپذیری از دو چیز سرچشمه می گیرد: معاشرت و همنشینی و یا تحریف باور درست در برابر پیروان آن (۲۷). این دلایل به موارد زیر تقسیم می شود:

دلیل اول، تاثیر خودکار طبیعی که باعث انحراف عقیده می شود و منظور از آن، تاثیر عقاید مختلف ادیان و تمدنهای دیگر در نتیجه ارتباط و اصطکاک انسانی، تعامل اجتماعی و معاشرت انسانی است؛ منشأ این نوع تاثیر فطرت و ماهیت انسان است^۹. قرآن کریم توضیح داده است که «نزدیک بودن نزدیکی در ادیان است و نه نزدیک بودن جسم (۲۸)»، زیرا شالوده وجود انسان باید بر اساس اجتماع مردم حول مبانی اعتقادی و الهی باشد، چرا که آغاز و بازگشت به سوی خداوند متعال است، خداوند می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَأَوْلِيَاءَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَوَلَّيْنَاكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ^{۱۰})، زیرا مادامی که رابطه مبتنی بر منشأ انحرافی باشد تاثیرپذیری از باورهای انحرافی دیگران اجتناب ناپذیر است^{۱۱}.

دلیل دوم، تاثیر موردنظر از تحریف عقیده است و آن، تاثیرپذیری از طریق یک سری اقدامات تحریفی موردنظر که افراد، اهداف و روشهای خاص خود را دارد و آن، سوء استفاده از معاشرت انسانها برای منحرف کردن افرادیست که اعتقادشان ضعیف است، یا هدف قرار دادن کسانی که اعتقادات محکمی دارند و مقصود از آن متزلزل کردن پایه های اعتقادی آنها یا جنگ با آنهاست^{۱۲}.

خداوند می فرماید: (وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ^{۱۳})، (زیان در آخرت همان محرومیت از ثواب

می فرماید: (وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ^۱)، در اینجا به موضوع منفی اشاره می کند و نه انکار آن، یعنی آفرینش بیهوده موارد ذکر شده گمان کسانی است که کفر ورزیدند (۲۶). هر کس علم خود را به مسائل ظاهری زندگی دنیوی منحصر کند پس او نسبت به آخرت کور و گمراه است زیرا علم او محدود به اداراکات حسی است. نمونه ای از اعتقاد انحرافی در افعال خداوند، سوء ظن آنها به مشیت الهی است، آنجا که می فرماید: (سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّى ذَاقُوا بَأْسَنَا فَلَوْلَا هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُمْ لَنَا لِنِ اتَّبَعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ^۲).

انحراف ناشی از تکبر منجر به انحراف در عقیده می شود. وجود دلایلی است که به خود بزرگی بینی در مقابل معارف یقینی است که به علت مخالفت این معارف با هوی و هوسش به آن رسیده است، یا: انحراف و میل و گرایش قلبی به غیر از ایمان است، به خاطر وجود انگیزه ای که انسان را به مخالفت با حقایق یقینی اثبات شده با ادله عقلی سوق می دهد، آیه های زیادی آمده است که ثابت می کند علت تکبر هوی و هوس است، از جمله فرمایش خداوند که می فرماید: (وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِّقُوا كَذِبُكُمْ وَفَرِّقًا تَقْتُلُونَ^۳)، این مرحله جدیدی از انحراف است، با این تفاوت که انگیزه انحراف در اینجا از نفس می آید و نه از ذهن؛ اعتقاد ذهنی صورت گرفته اما در متقاعد کردن نفس به خلاف آنچه ذهن به آن رسیده، موفق عمل نکرده است^۴. خداوند متعال می فرماید: (إِنَّ الَّذِينَ لَا يُرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ أُولَئِكَ مَا وَاهَمُهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ^۵)، چیزی که در او احساس خودبزرگی بینی و بالاتر دانستن از اقرار به مسئله ای می شود که در آن با دیگری مساوی است و یا آنچه که باعث از بین رفتن برتری یا بزرگی ای که برای خود ایجاد کرده است را نادیده می گیرد، این امر او را وادار می کند که به دنبال شکاف یا کمبودی در دیگران باشد تا برتری خود را ثابت کند^۶.

یکی دیگر از جنبه های انحراف، پیروی از افراد متکبر و از کنار گذاشتن تعقل و تفکر در زمینه تسلیم شدن در برابر فرمان متکبران است. تصمیمات آنها خارج از دایره تصمیمات افراد متکبر نیست، زیرا فریب ظاهر زندگیشان را می خورند، خداوند می فرماید: (وَاسْتَكْبَرُوا هُوَ وَجَنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ إِلَيْنَا لَا

^۱ سوره ص، آیه ۲۷.

^۲ سوره انعام، آیه ۱۴۸.

^۳ سوره بقره، آیه ۷۸.

^۴ ر.ک: ابن عاشور، التحرير والتنوير، ج ۲، ص ۴۳.

^۵ سوره یونس، آیات ۸ و ۷.

^۶ ر.ک: ابن عاشور، التحرير والتنوير، ج ۲، ص ۴۷.

^۷ سوره قصص، آیه ۳۹.

^۸ سوره فرقان، آیه ۲۱.

^۹ همان منبع، صفحه ۳۷۵.

^{۱۰} سوره توبه آیه ۲۳.

^{۱۱} ر.ک: العمری، الانحراف العقدي، ص ۳۷۵.

^{۱۲} المبارکی. د. أحمد بن علی، عضو المجمع الفقهي الإسلامي، الانحراف العقدي آثاره ونتاجه، بحث مقدم إلى المجمع الفقهي الإسلامي، مكة المكرمة، ص ۲۳.

^{۱۳} سوره آل عمران، آیه ۸۵.

(۳۲). بر اساس فرمایش خداوند باید زندگی مؤمن عبادت خدا باشد، آنجا که می فرماید: (قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۶۲) لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ^۶).

- انحراف در کاربرد: انحراف در فهم به ناچار منجر به انحراف در کاربرد نیز می شود، زیرا زمانیکه هدف مدنظر فقط ادای مناسک باشد، تمام اعمال عبادی منحصر در این امر می شود. لازم است که این نوع عبادت هر روز ضعیف تر شود، تا اینکه هدف تنها انجام اعمال عبادی با هر شکل ممکن باشد (۳۳).

علامه طباطبائی این انحراف بویژه انحراف اعتقادی را در خلال سخنانش در مورد توحید توضیح داده که خطرناکترین نوع انحراف برای ایمان مسلمان به حساب می آید، پس گفت: محقق ژرف نگر معارف کلی، تردیدی ندارد که مسئله توحید از لحاظ تصور و ادراک از عمیق ترین و دشوارترین مسائل است؛ اما افراد بخاطر تنوع فکری که ناشی از فطرت انسان است و بخاطر تفاوت افراد از لحاظ بنیه جسمی و عملکرد آن، در فهم و ادراک این مسئله تفاوت دارند و هیچ تردیدی در این امر وجود ندارد و قرآن کریم به این تفاوت اشاره کرده، آنجا که می فرماید: (هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولَئِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ) (فَأَعْرَضَ عَنْ مَنْ تَوَلَّى عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ۲۹ ذَلِكُمْ مِتْلَعُهُمْ مَنْ أَعْلَمُ) و می فرماید: (فَمَا لَهُمْ لَا يَقَادُونَ بِفَقْهُونَ حَدِيثًا) و فرموده حق تعالی در ذیل آیه ۷۵ سوره مائده از جمله آیات مورد بحث ما است: (انظروا كيف نبين لهم الآيات ثم انظروا اني يؤفكون) از بارزترین مصادیق این اختلاف در فهم، تفاوت مردم در فهم معنای توحید خداوند متعال است، علت آن نیز تفاوت زیاد در فهم و معنای وسیع مسئله وجود خداوند است، با اینکه افراد در فطرت انسانی و الهام خفی و نشانه های دقیق اشتراک دارند.^۷

علامه طباطبائی پس از پرداختن به عقل سلیم، توحید را بعنوان حقیقت قرآنی معرفی می کند و توضیح می دهد که کمال محض مختص خداوند عز و جل است، بنابراین می گوید: (از هر کمالی محض آن متعلق به خداست، اگر به دنبال درک و فهم بیشتر از این واقعیت قرآنی هستی، یک امر غیر متناهی و سپس یک امر متناهی را تصور کن، درخواهی یافت که که غیرمتناهی مسلط بر متناهی است، غیرمتناهی قائم به ذات، بر همه چیز گواه است و احاطه کامل دارد. در این خصوص به فرمایش خداوند بنگر که می فرماید: (وَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۚ أَلَا إِنَّهُمْ فِي مَرِيئَةٍ مِّنْ لِّقَاءِ رَبِّهِمْ أَلَّا يَنْهَوُا عَنْ كُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ^۸)، این همان چیزی است که عموم آیات مربوط به توصیف صفات خداوند در چارچوب حصر یا اسم ظاهر بر آن دلالت می کند. خداوند می فرماید: (اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى^۹) و می فرماید: (وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ^{۱۰})

و رسیدن به کیفر است و گفته شده: منشأ زبان از بین رفتن سرمایه است و در اینجا مقصود اتلاف آن چیزی است که فطرت سالم بر آن ساخته شده است^{۱۱}، بنابراین می توان مظاهر فساد اعتقادی را در پدیده های زیر خلاصه کرد:

- پدیده تکفیر:

پدیده ای است که به تکفیر هر مذهبی که مخالف آن باشد، روی می آورد و آگاهی از مسلمان یا کافر بودن یک نفر تنها با معیار شرع سنجیده می شود (۲۹).

- پدیده افراط گرایی و غلو در دین: قرآن کریم غلو را به طور کلی نهی کرده است. غلو یعنی بهانه قرار دادن ذهن برای ژرف نگری در مسائل اعتقادی بدون هیچ دلیل و معیار شرعی، که منجر به غلبه ذهن بر متن می شود و مسائل غیرقابل تصور درباره ذات خدا و مسائل نهانی در اختیار حس و عقل قرار می گیرد و در نهایت منجر به انحراف این گروه از توازن و تعادل در اعتقاد و مبالغه در اعتقاد و گفتار می شود. پیروان این گروه در ادراکات اعتقادی از قبیل تسلیم حس بودن ذات الهی، غلو کرده اند و به خیال پردازی روی آورده اند (۳۰).

- پدیده فساد همراه با زوال اخلاقی: فساد اخلاقی ناشی از انحطاط رفتاری، یکی دیگر از جنبه های افراط گرایی است و زمانی حاصل می شود که انسان از اهدافی که برای آن آفریده شده دور شود، پس ربا، زنا، قتل، شرب خمر و ... همه اینها اقدامات انسان برای مباح شمردن و رهایی از قید و بندهای اخلاقی و انحراف زندگی از رویکرد الهی است و منشأ همه اینها انحراف در ایمان به خدای متعال می باشد.^{۱۲}

(ب) انحراف در عبادت

عبادت انواعی دارد از جمله نماز، زکات، روزه و حج و بسیاری از آنها معانی عقلی دارد که شریعت حکمت آنها را بیان کرده و یا اینکه فقهاء آن را از شریعت استنباط کرده اند (۳۱). انحراف در عبادت، به اشکال گوناگونی صورت می گیرد، از جمله:

- انحراف در مفهوم عبادت: نگاه به عبادت بعنوان بجا آوردن صرف مناسک عبادی مانند نماز، روزه، حج، قربانی، قرائت قرآن و ... سایر رفتارها و اخلاقیات را شامل نشود، چه بسا بنده نماز خوان، روزه دار و تلاوت کننده قرآن را ببینیم که پس از انجام این مناسک عبادی، از فریب دادن، ربا خوردن و ... ابایی ندارد. پس اگر چنین افرادی نصیحت شوند، می گویند: نماز می خوانند و اعمال عبادی را به جا می آورند و زمان عبادت به پایان رسیده است. عبادت با این مفهوم انحرافی باعث می شود میان زندگی فرد مسلمان در مسجد و خارج از آن فاصله بیفتد. زیرا اگر مفهوم عبادتی که خداوند متعال آن را اراده کرده است، همانی باشد که این دسته از مردم آن را فهمیده اند، عبادت بیهوده است و بیشتر اوقات عبادت خداوند تأثیری ندارد

^۱ الالوسی، تفسیر روح المعانی، ج ۳، ص ۲۸۴.

^۲ رک: طالب، الانحراف العقدي والخلقي، ص ۲۱.

^۳ سوره انعام، آیات ۱۶۳ و ۱۶۲.

^۴ سوره زمر، آیه ۹.

^۵ سوره نجم، آیات ۳۰ و ۲۹.

^۶ سوره نساء، آیه ۷۸.

^۷ علامه طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۶، ص ۸۶-۸۷.

^۸ سوره فصلت، آیات ۵۴ و ۵۳.

^۹ سوره طه، آیه ۸.

^{۱۰} سوره نور آیه ۲۵.

امروزه، مردم در جهان به شدت به نظامهای اخلاقی و مطالعاتی یعنی فلسفه اخلاقی نیاز دارند به گونه‌ای که پژوهشگران حقوق بشر، مشکل جهان را در نظامهای اخلاقی حاکم بر آن می‌دانند. در این میان، آنچه بیشترین تاثیرپذیری را می‌تواند داشته باشد، خانواده می-باشد که بعنوان سنگ بنای جامعه سالم و نقطه آغاز اصلاح جوامع عمل می‌کند. خانواده در کلیت وظایف مهمی دارد: خانواده برای القای ارزشهای اخلاقی و فضیلت در افراد و جوامع، رفع نیازهای فطری انسان و سنتهای خداوند، دستیابی به معانی والای اجتماعی، تلاش می‌کند. با این حال باید گفت دوام خانواده تا چه حد به اخلاق وابسته است؟ خانواده بعنوان کوچک‌ترین نهاد اجتماعی برای بقا و استمرار محتاج پابندی به ضوابط شرعی و الزامات حقوقی است؛ با این حال، تنها عامل پیوند دهنده، حدود و ضوابط قانونی نیست، بلکه عامل اصلی محبت و مودت موجود بین زوجین و فرزندان است؛ در این اثنا، تحکیم خانواده نیز از مسائلی تاثیر می‌پذیرد که ریشه در اخلاق دارد: وظایف مشترک، اظهار محبت، خوشرویی، رعایت حقوق یکدیگر، تامین نیازهای زناشویی و همکاری. علاوه بر این، مساله مهم قابل طرح نقش خانواده در اخلاق درست فرزندان است که مراحل رشد ذهنی، روانی و اجتماعی را در برمی‌گیرد که شخصیت فرد را شکل می‌دهد و در این میان، جنبه-هایی در اخلاق درست ایفای نقش می‌کند که مواردی این چنینی را شامل می‌گردد: آمادگی‌های معنوی، جسمانی، ذهنی یا فکری، روانی و اجتماعی.

امروزه تغییرات بر انسان و جامعه تاثیر گذاشته که یکی از وجوه آن، تغییر در کارکرد اخلاقی خانواده است: افراط در تأمین نیازهای معیشتی فرزندان، بی‌توجهی به آمادگی روحی فرزندان، واگذاری وظایف اخلاقی به سایر نهادها همچون کودکانها و سایر نهادهای آموزشی و فرهنگی، تغییر در الگوی روابط بین اعضای خانواده. دلایل این تغییر کارکرد اخلاقی خانواده امروزه از والدین و بنیه دینی، فرهنگی و اجتماعی آنها و همچنین، عوامل خارجی (فشار ارزشها و فرهنگ جامعه بر خانواده) نشأت می‌گیرد اما به-صورت دقیق‌تر می‌تواند ناشی از مسائلی بدین صورت باشد: عدم التزام به برخی مبانی شرعی ازدواج و علت آن؛ ملاک نبودن دین در انتخاب همسر؛ شکاف و ناهماهنگی بین آموزه‌ها و ارزشهای اسلام؛ کمبود وقت والدین برای فرزندان؛ نبود محیط روانی سرشار از محبت و تهاجم ارزشهای بیگانه. علیرغم این، چنین مواردی سطح نامطلوبی که امروزه خانواده در حفظ هویت اسلامی و انسانی خود به آن رسیده، از رهگذر این موارد قابل رفع است: نهادینه کردن باور قلبی در افراد از سنین پایین؛ تقویت مسئولیت زن در خانواده؛

و می‌فرماید: (هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ)، و می‌فرماید: (وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ) و می‌فرماید: (لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ) و می‌فرماید: (الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ) و می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ) و آیات دیگر، همه این آیات، با صدایی رسا اعلام می‌کنند که همه کمالات در اصل متعلق به خداوندست و هرکس چیزی دارد مالکیت آن با خداست و کمال مطلق متعلق به اوست. خداوند می‌فرماید: (وَلَا يَمْلِكُونَ لِنَفْسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا)^۷. مرحوم علامه سپس از رسیدن انسان به کمال نهایی‌اش به صورتی ذاتی و عارضی صحبت می‌کند؛ این رسیدن از نظر وی همان توحید ذاتی، اسمی و عملی است و می‌گوید: کمال واقعی برای انسان، رسیدن به کمال ذاتی و عارضی است؛ یعنی رسیدن به نهایت کمال در ذات، وصف و فعل، یعنی: فنای ذاتی، وصفی و عملی او در خداوند سبحان و آن توحید ذاتی، اسمی و عملی است و آن رسیدن به این شهود که ذات، وصف و عمل تنها متعلق به خداست به نحوی شایسته حضرت حق تعالی باشد (۳۴).

امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: سرآغاز دین، خداشناسی و کمال شناخت خدا، باور داشتن او، و کمال باور داشتن خدا، شهادت به یگانگی اوست؛ و کمال توحید اخلاص، و کمال اخلاص، خدا را از صفات مخلوقات جدا کردن است.^۸

علامه طباطبائی این خطبه شریفه را شرح داده و می‌گوید: او کسی است که بیان را بنیان گذاشت و ماحصل بخش اول سخن این است که شناخت خداوند به نفی صفات از او منتهی می‌شود، ماحصل بخش دوم که منشعب از بخش اول می‌باشد، این است که می‌گوید: هرکس خدا را با صفت مخلوقات تعریف کند او را به چیزی نزدیک کرده است، اینکه اثبات صفات برای خداوند مستلزم اثبات وحدت عددی است و چنین چیزی جایز نیست. از دو مقدمه نتیجه می‌گیرد که کمال شناخت او مستلزم نفی صفات عددی از اوست. حضرت (ع) آن را اینگونه توضیح می‌دهد: سرآغاز دین، خداشناسی است، تا نشان دهد که هرکس خداوند را به نحوی نشناسد هنوز وارد عرصه دین نشده است، شناخت ممکن است با عمل همراه باشد و آثاری بر این شناخت مترتب باشد و شاید همراه با عمل نباشد، واضح است که علم نسبت به اعمال در صورتی در نفس مستقر می‌شود که آثار عملی خود را در پی داشته باشد، در غیر این صورت علم با انجام اعمال منفی با آن تضعیف می‌شود تا جایی که به طور کامل از بین می‌رود.^۹

نتیجه‌گیری

^۱ سوره غافر، آیه ۶۵.

^۲ سوره روم، آیه ۵۴.

^۳ سوره بقره، آیه ۱۶۵.

^۴ سوره تغابن، آیه ۱.

^۵ سوره فاطر، آیه ۱۵.

^۶ سوره فرقان آیه ۳.

^۷ علامه طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۶، ص ۸۹.

^۸ امام علی، نهج البلاغه (مجموعه‌ای که شریف‌رضی از امیرالمؤمنین (ع) برگزیده است، شرح امام شیخ محمد عبده، دارالعلم، معرفه للطباعه و النشر، بیروت، جز اول، (د، ط، ت).

^۹ علامه طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۶، ص ۹۲-۹۳.

برقراری رابطه والدین با فرزندان؛ روابط دوستانه میان اعضای خانواده.

خانواده مسلمان کانونی است که فرزندان خود را در برابر انحراف حمایت می‌کند، اما اگر در هر جنبه‌ای کوتاهی کند، عواقب جدی برای جوانان بطور خاص و برای جامعه بطور کلی خواهد داشت. در رابطه با تاثیر انحراف بر خانواده باید گفت از آنجایی که فرد مسلمان باید تربیت و شخصیت او شکل گیرد، محورهایی وجود دارد که بویژه از طرف علامه طباطبائی تشریح شده است. آمادگی روحی-روانی یکی از مهمترین مسئولیتهای خانواده است که تعالیم، آداب و رسوم و تعاملات متناسب با سن کودک را به او آموزش می‌دهد و کودک را علاقمند به اخلاق اسلامی می‌کند و به نهادینه کردن رفتارهای دینی منتهی می‌شود. آمادگی روحی نقش مؤثری در اصلاح رفتار افراد دارد؛ علامه طباطبائی به جنبه معنوی شخصیت انسان بسیار اهمیت داده و معتقدست شناخت خداوند و اعتقاد به وحدانیت، اولین اصل از اصول دین است و از این طریق، فرد نیکوکار با اعمال نیکو و فرد گناهکار با گناهانش مورد حساب قرار می‌گیرد و این دومین اصل از اصول دین است، سپس از طریق اعتقاد به معاد به اصل سوم یعنی نبوت می‌رسد، زیرا رسیدگی به اعمال تنها پس از شناخت اطاعت و معصیت و خوب و بود امکانپذیر است. پس از آن اخلاق و صفتهای نیکو را که متناسب با اصول سه گانه دین است، تشریح کرده و معتقدست هر انسان مؤمن باید متخلق به این اخلاق باشد. ایشان در تبیین زوایای پنهان مربوط به تربیت و اخلاق اسلامی می‌گوید انحرافات که در سیر بشر به سوی اهدافش و رسیدن به اوج کمال روی می‌دهد، بعلت خطا در اجرا و کاربرد آنست و نه از جهت باطل بودن فطری حکم.

علامه طباطبائی در رابطه با آمادگی ذهنی در خانواده بطور خاص و در جامعه بطور عام عنوان می‌کند باید عقل سلیم بر انسان حاکم باشد و نه خواهشهای نفسانی و عواطف و احساسات مخالف عقل و بر همین اساس، معتقد است برای رشد ذهنی و عقلی افراد باید به مواردی این چنینی توجه نمود: هدایت عامه و هدایت انسان به عنوان قانون کلی؛ ویژگی و امتیاز انسان در عبور از مسیرهای زندگی، وجه تمایز حیوانات از سایر موجودات؛ بکارگیری عقل در هدایت انسان به قانون الهی. وی بر وجود توجه به جانب عقلی تاکید کرده و معتقدست خداوند به مردم دستور داده که عقل و اندیشه خود را در نشانه‌های درونی و بیرونی و بطور کلی در منابع کلام او و به تفصیل در موارد دیگر بکار گیرند. وی معتقد است گام نهادن در این مسیر به کمال انسانی می‌انجامد که افراد در درجات آن تفاوت دارند و این همان هدف تربیت اخلاقی و اسلامی واقعی است. علامه طباطبائی در رابطه با آمادگی جسمی معتقد است یکی از اولویتهای فلسفه اسلامی در تربیت و اخلاق توجه به جسم افراد در دوران بارداری، پس از تولد و تربیت و پرورش کودک و نوجوان و حتی بعد از سن بلوغ است، ولی همیشه دوره کودکی به عنوان اصلی که هر کس از کودکی سالم باشد در بقیه عمرش نیز سالم است، مورد تأکید قرار دارد. از طرف دیگر، آمادگی اجتماعی را در تربیت انسان و تقویت اخلاق نیکو مؤثر می‌داند و معتقد است انسان نیاز خود را با همکاری هموعان خود برآورده می‌کند. اگر انسان قدرتی فراتر از جامعه پیرامونی‌اش داشته باشد، به همکاری

اجتماعی پایبند نمی‌ماند، بر همین اساس خداوند به همکاری اجتماعی اشاره می‌کند.

همانگونه که گفته شد، امروزه تغییرات بر تغییر و انحراف در کارکرد اخلاقی خانواده منجر شده است. علامه طباطبائی مقصود از انحراف اخلاقی را کوچکترین انحراف از فطرت و سرشت پاک که خداوند مردم را با آن آفریده، بیان کرده است. این انحراف از فلسفه اخلاق اسلامی می‌تواند به دو بخش انحراف در باور و عقیده و انحراف در اعمال عبادی منتهی گردد. انحراف در عقیده به دو صورت انحراف جهت‌دار و مؤثر می‌باشد. منبع علل جهت‌دار انحراف باطن انسان شامل احساسات و هوی و هوس است که او را به گرایش نادرست و رویگردانی از مسیر درست سوق می‌دهد و منبع آن تفکر بیمارگونه، سوء تفاهم، خودشیفتگی، دل‌بستگی به امیال و شهوات است. انحراف در اندیشه نخستین عامل ایجاد انکار منجر به انحراف در باور و عقیده است که ناشی از تربیت ناسالم و سهل-انگارانه نوجوان است. از دیدگاه قرآن برخی انحرافات اعتقادی ناشی از درپیش گرفتن گمان بعنوان راهی برای تشکر بی‌معنی و پوچ است و در نهایت، یکی دیگر از جنبه‌های انحراف، پیروی از افراد متکبر و کنار گذاشتن تعقل و تفکر در زمینه تسلیم شدن در برابر فرمان متکبران است. در واقع، عوامل مؤثر بر انحراف عقیده، آن دسته از علل بیرونی هستند که بر اعتقادات تاثیر می‌گذارند و منجر به انحراف و عدول آن از حق به باطل می‌شوند؛ این علل به چنین مواردی می‌تواند منشعب شود: تاثیر خودکار طبیعی تحت-تأثیر عقاید مختلف، ادیان و تمدنهای دیگر و تأثیر از طریق یک سری اقدامات تحریفی توسط افراد، اهداف و روشهای خاص. وجود این دسته از مردم یکی از مهمترین دلایل تاثیرگذار بر انحراف عقیده است و با توجه به اینکه آنها اصرار بر گمراهی دارند، همین امر موجب گسترش پیروان آنها در جهان می‌شود و بنابراین می‌توان مظاهر فساد اعتقادی را اینگونه خلاصه نمود: پدیده‌های تکفیر؛ افراط‌گرایی و غلو در دین؛ فساد همراه با زوال اخلاقی.

در نهایت می‌توان گفت، نگاه به عبادت بعنوان بجا آوردن صرف مناسک عبادی مانند نماز، روزه، حج، قرائت قرآن و...، اگر سایر رفتارها و اخلاقیات را شامل نشود، به انحراف اهداف و فساد نیت-ها منجر می‌شود و عبادت با مفهوم انحرافی، باعث می‌شود میان زندگی فرد مسلمان در مسجد و خارج از آن فاصله بیفتد. همچنین انحراف در کاربرد و اجرای آن وجود دارد که در نتیجه آن، حتی مناسک عبادی که عبادت در آنها محصور بود نیز از هدف خود دچار ضعف و انحراف از واقعیت می‌شود. علامه طباطبائی در رابطه با انحراف خصوصا اعتقادی معتقدست که خطرناک‌ترین نوع انحراف برای ایمان مسلمان به حساب می‌آید. وی توحید را بعنوان حقیقت قرآنی معرفی می‌کند و توضیح می‌دهد که کمال محض مختص خداوند عز و جل است. علامه سپس از رسیدن انسان به کمال نهایی‌اش به صورتی ذاتی و عارضی صحبت می‌کند، این رسیدن از نظر وی همان توحید ذاتی، اسمی و عملی است و می‌گوید کمال واقعی برای انسان رسیدن به کمال ذاتی و عارضی است.

References

Philosophy of Islamic Education and application

13. Seyyed Qutb, Ibn Ibrahim Hossein (1412 AH), *Fi Zhalal al-Qur'an*, Beirut-Cairo, Dar al-Sharouq, Volume 17, Volume 1.
14. Ibn Kathir, Abu al-Fada Ismail bin Kathir al-Damashqi (1420-1999), *Tafsir al-Qur'an al-Azeem*, Research: Sami bin Muhammad Salama, Dar Tayyaba Publishing and Distribution, Volume 2.
15. Al-Halhos, Abdulaziz Al-Sayed (1992), *Dictionary of Special Education and Special Education*, Riyadh, King Saud University Press, Volume 1.
16. Ehsan, Mohammad Hassan (1999), *Encyclopedia of Sociology*, Beirut, Dar al-Arabiya for Encyclopedias.
17. Al-Tanoji, Mohammad Omer (1995), *al-Taghir al-Sahiv*, Alexandria, Manshaet al-Maarif.
18. Al-Dsoqi, Professor Dr. Muhammad (1998), *Manar al-Islam*, number (7), year 24, Al-Ahram Foundation for Distribution, Cairo.
19. Faraj Allah, Shaima Abdul Halim (2014), *The role of the Palestinian family in enhancing the taste behavior of its children in the light of Islamic educational thought and development*, Master's thesis, Islamic University of Gaza.
20. Abu Mursa, Asmaa Salah Hussein (2012), *The Palestinian family period in the moral education of its children in the light of Islamic norms from the perspective of Islamic University students*, Master's thesis, Islamic University of Gaza.
21. Al-Ashoul, Adel Ezzeddin (2000), *The Psychology of Development from Al-Janin to Al-Qur'ah*, Cairo, Al-Angelo Library, Egypt.
22. Ibn Saida, Abu al-Hasan Ali bin Ismail al-Naghwi al-Laghwi al-Andalusi (1996), *al-Makhsaad*, research: Khalil Ibrahim Jafal, Beirut, Dar Ihiya al-Trath al-Arabi, vol.1, vol.2.

1. Issa, Al-Ustad Atiqa (2017), *the round of spiritual education within the family in the protection of individuals from social deviation, a charter discussion in Al-Tarath magazine*, Al-Jalfa University, year 6, number 1.
2. Misbah-Yazdi, Mohammad Taqi (1381), *Islamic Ethics*, Tehran, Khwaja Nasir al-Din Toosi Publications.
3. Nowrozi, Mohammad (2008), *the link between ethics and family law*, *Community Quarterly*, No. 55.
4. Imani, Mohammad Rasul (2016), *The Place of Ethics in the Family*, Tehran, Samit Publications.
5. Misbah-Yazdi, Mohammad Taqi (2009), *Al-Mizan Fi Tafsir*, Tehran, Raja Cultural Publishing Center.
6. Kiani, Marzieh (2012), *Factors affecting employee behavior*, Tehran, Samt Publications.
7. Mohammad Rezaei, Mohammad (2004), *Moral Philosophy from Motahari's point of view*, Tehran, Ministry of Science Publications.
8. Boqran, Wahhab (1481 AH), *Ethical Principles*, Medina Munura, p.5.
9. Sadegh Zadeh, Alireza (2010), *Theoretical principles in the philosophy of ethics from the point of view of Allameh Tabatabai*, Lebanon.
10. Al-Alimani, Abdul Karim Ali Saeed (2004), *Philosophy of Education*, Dar Al-Sharooq Publishing and Distribution, First Arabic Edition, First Edition, Amman, Jordan.
11. Al-Kilani, Majid Arsan Al-Kilani (2008), *Philosophy of Islamic Education*, Dar al-Manara, Jeddah.
12. Abu Arad, Dr. Saleh Bin Ali (2003), *Essays in Islamic Education*, Assistant Professor of Islamic Education and Director of the Educational Research Center at the Faculty of Teachers in Abha, research published on the Internet in Wikipedia, Open Encyclopaedia /

Religions and Religions, Al-Dar al-Arabiya for Encyclopedias, Beirut, Volume III, Volume 1.

23. Qutb, Seyyed (1980), In the Shadows of the Qur'an, Cairo, Dar al-Shrooq, 9th Shari'i Edition, vol.4.
24. Al-Hafni, Abdul Moneim (2000), al-Mujajm al-Shalim for Philosophical Glossaries, Madbouli Publishing House, Cairo, vol.3.
25. Al-Bouti, Mohammad Saeed Ramadan (2013), Kobari al-Iqiniyat al-Kuniyeh, Dar al-Fakr, Damascus.
26. Ibn Ashour, Mohammad al-Tahir (2013), Al-Tahrir and Tanweer, Dar Sahnoun, Tunisia, Vol. 9.
27. Al-Omri, Mohammad Nabil Taher, Jaber, Tehani Afif Youssef (2017), Al-Difaqi al-Aqdi Nawazah and Zahahirah, discussion of charter in Al-Jordaniya magazine in Al-Derasat al-Islamiyya, vol.(13), p(2.
28. Al-Qurtubi, Abu Abdullah Muhammad bin Ahmad bin Abi Bakr bin Faraj Al-Ansari (2003), Al-Jaami Lahkam Al-Qur'an, Research: Samir Al-Bukhari, Dar Alam Al-Kutub, Riyadh, Kingdom of Saudi Arabia, Volume 8.
29. Al-Ghazali, Muhammad bin Muhammad al-Tusi, Abu Hamid (1983), Al-Economy of Belief, Dar al-Kitab al-Alamiyeh, Beirut, Vol. 1.
30. Tamer, Aref (1990), Al-Farq al-Islamiy, Dar al-Masirah, Beirut, p. 1.
31. Al-Musawat Al-Fiqhiyah Al-Kuwaitiya (2005), published by the Ministry of Awqaf and Islamic Affairs of the Government of Kuwait, Volume 3, Dar Al-Salsal, Volume 12.
32. Seyyed Qutb (1982), Fi-Zhalal al-Qur'an, Cairo, Dar al-Shoroq, Volume 10, Volume 62.
33. Al-Razi, Abu Abdullah Muhammad bin Umar bin Al-Hasan bin Al-Hussein al-Taimi, al-Mukhab al-Fakhr al-Din (2000), Al-Mawahit al-Gheeb or al-Tafsir al-Kabeer, Dar al-Kitab al-Alamiyeh, Beirut, vol.1, vol.25.
34. Aswad, Al-Amid Abd al-Razzaq (1981), Al-Madkhal to the Study of